


Earnings Increasing or Decreasing Accounting Choices: with Emphasis on the Role of Firm Size and Corporate Governance

Hadise Nasiri Alamoti 

Ph.D. Student, Department of Accounting, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. nasirialamoti@gmail.com

Alireza Mehrazeen 

Assistant Professor, Department of Accounting, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. a.r.mehrazeen@iau-neyshabur.ac.ir

Abolghasem Masih Abadi 

Assistant Professor, Department of Accounting, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. massihabadi@gmail.com

Mohammad Heydari 

Assistant Professor, Department of Aconomics, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. mheidar20006@yahoo.com

Abstract

Purpose: Managers, having a higher level of awareness about the stakeholders, try to make the image of the business unit look favorable. Therefore, they make choices that can have different effects on users' decisions. The aim of the current research is to investigate the role of two factors, company size and corporate governance, on choices that increase or decrease accounting earnings.

Method: The statistical sample includes 180 companies (1440 companies-year) from the manufacturing companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the period of 2013 to 2014. The research hypotheses have been tested using panel data and multivariate logistic regression.

Results: The results show that the corporate governance factor as well as the company size factor have an inverse and significant relationship with the choice of increasing or decreasing accounting earnings methods.

Conclusion: In companies, the accounting earnings is determined by the accrual method and by applying the opinion of the managers. In this regard, managers influence earnings by choosing their methods. There are many choices for managers in the process of preparing financial reports that can increase or decrease the company's earnings.

Contribution: This research can provide a new study platform regarding accounting choices in the sense that it draws the attention of standard-setting institutions to the diversity of accounting methods and the freedom of action of managers in choosing methods.

Keywords: Accounting Choices, Corporate Governance, Firm size, Increasing or Decreasing Methods.

Research Article

Cite this article: Nasiri Alamoti, Mehrazeen, Masih Abadi & Heydari (2024) Earnings Increasing or Decreasing Accounting Choices: with Emphasis on the Role of Firm Size and Corporate Governance, Journal of Financial Accounting Knowledge, Vol.10, NO.4, Winter, 81-101.

DOI: 10.30479/jfak.2024.19653.3150


Received on 5 December, 2023 **Accepted on** 7 February, 2024

© The Author(s). 


Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Alireza Mehrazeen (a.r.mehrazeen@iau-neyshabur.ac.ir)


انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی

حدیثه نصیری الموتی 


Nasirialamoti@gmail.com. دانشجو مقطع دکتری، گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

علیرضا مهرآذین* 

a.r.mehrazeen@iau-neyshabur.ac.ir. استادیار، گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

ابوالقاسم مسیح‌آبادی 

massihabadi@gmail.com. استادیار، گروه حسابداری، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

محمد حیدری 

mheidar20006@yahoo.com. استادیار، گروه اقتصاد، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

چکیده

هدف: مدیران با داشتن سطح آگاهی بیشتر نسبت به ذینفعان، سعی دارند تا تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهند. لذا دست به انتخاب‌هایی می‌زنند که می‌تواند اثرات متفاوتی بر تصمیمات استفاده‌کنندگان داشته باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش دو عامل اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی بر انتخاب‌های افزایشده یا کاهشده سود حسابداری است.

روش: نمونه آماری شامل ۱۸۰ شرکت (۱۴۴۰ شرکت-سال) از شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ است. آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از داده‌های تابلویی و رگرسیون لجستیک چند متغیره انجام شده است.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد که عامل حاکمیت شرکتی و همچنین عامل اندازه شرکت دارای رابطه معکوس و معناداری با انتخاب روش‌های افزایشده یا کاهشده سود حسابداری می‌باشند.

نتیجه‌گیری: در شرکت‌ها سود حسابداری به روش تعهدی و با اعمال نظر مدیران تعیین می‌گردد. در این راستا مدیران با انتخاب روش‌هایشان بر روی سود اثر می‌گذارند. امکان انتخاب‌های زیادی برای مدیران در فرآیند تهیه گزارش‌های مالی وجود دارد که می‌تواند افزایشده یا کاهشده سود شرکت باشد.

دانش افزایشی: این پژوهش می‌تواند یک بستر مطالعاتی جدیدی را در خصوص انتخاب‌های حسابداری فراهم کند از این حیث که توجه نهادهای استاندارگذار را بر تنوع روش‌های حسابداری و آزادی عمل مدیران در انتخاب روش‌ها جلب می‌کند.

واژگان کلیدی: انتخاب‌های حسابداری، اندازه شرکت، حاکمیت شرکتی، روش‌های افزایشده یا کاهشده سود.

مقاله پژوهشی

*استناد: نصیری الموتی، مهرآذین، مسیح‌آبادی و حیدری (۱۴۰۲): انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی، فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی، مقاله پژوهشی، دوره ۱۰، شماره ۴، پیاپی ۳۹، زمستان ۱۴۰۲، ۸۱-۱۰۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸



ناشر: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) © حق مؤلف نویسندگان

۱- مقدمه

به استناد تئوری نمایندگی، تفکیک مالکیت و نظارت در نتیجه تضاد منافع مدیران و سهامداران به ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی و انتقال ثروت از مالکان به مدیران منجر می‌گردد (رضوانی راز و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۶). بر اساس این تئوری همه اقدامات فردی توسط نفع شخصی برانگیخته می‌شود و اینکه افراد در یک حالت فرصت طلبانه اقدام به افزایش ثروت خود می‌کنند. از آنجاییکه مدیریت سازمان بیشتر درگیر عملیات واحد تجاری است، لذا می‌تواند در مورد شرایط کنونی و چشم‌انداز آتی شرکت در مقایسه با سهامداران، از راه‌های گوناگون از مزیت اطلاعاتی برخوردار گردد که در نهایت می‌تواند به هزینه یا زیان سرمایه‌گذاران منتهی شود (اسکات^۱، ۲۰۱۲: ۲۷).

تضاد منافع بین مدیران و سهامداران بر انتخاب روش‌های شرکت توسط مدیران و اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاران تأثیر می‌گذارد (هوآنگ و همکاران^۲، ۲۰۱۶: ۵۳۹). مدیران، به عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده‌کنندگان، سعی دارند تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهند (پیتاچی^۳، ۲۰۱۵: ۱۵۱).

بر اساس تئوری علامت‌دهی، صورت‌های مالی به عنوان رسانه ارتباطی، انعکاس دهنده اساسی‌ترین اطلاعات حسابداری است که توسط مدیران برای اثبات عملکرد، گزارش و توسط سهامداران برای ارزیابی عملکرد واحد مورد تجاری مورد استفاده قرار می‌گیرد (کاروالهو^۴، ۲۰۱۸: ۵۷۶). ولی مدیران در راستای اختیار و آزادی عمل ناشی از دسترسی به اطلاعات نهانی شرکت، دست به انتخاب‌هایی می‌زنند که این انتخاب روش‌ها با علامت‌دهی به بازار و تأثیرگذاری بر سود نمایان می‌شود.

سود یکی از منابع اصلی گزارشگری مالی برای سرمایه‌گذاران و شاخص مهمی از خلاصه عملکرد شرکت برای مدیران به شمار می‌رود که محاسبه آن متأثر از روش‌ها و برآوردهای حسابداری است (کاروالهو، ۲۰۱۸: ۵۸۱). اقدامات نهادهای قانون‌گذار و انعطاف‌پذیری‌هایی که در استانداردهای حسابداری وجود دارد، که این نیز به مدیران حق انتخاب روش‌های مختلف را می‌دهد (چو و کیم^۵، ۲۰۲۰: ۸۱۳؛ جهانگیر و کامران^۶، ۲۰۱۷: ۴۳۱) این انتخاب روش‌ها تحت تأثیر عوامل گوناگونی قرار می‌گیرد. از عوامل اثرگذار بر انتخاب روش‌های مدیران، اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی است. اندازه شرکت، متغیری مهم و اثرگذار در اداره و کنترل شرکت است که با معیار هزینه‌های سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و استراتژی انتخاب روش‌های حسابداری را در شرکت‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد (واتس و زیمرمن^۷، ۱۹۷۸: ۱۱۸).

در راستای نظارت و کنترل بر عملکرد مدیران، همچنین عامل حاکمیت شرکتی به عنوان سازوکاری برای کاهش فرصت‌طلبی مدیران عمل می‌کند و نقش مهمی در کاهش مشکلات نمایندگی و اطلاعاتی دارد (ساموئل و من^۱، ۲۰۱۷: ۱۱۲) و می‌تواند با سازوکارهای مختلف درون سازمانی و برون سازمانی کمک به همسو سازی منافع مدیران و مالکان نماید. از آن جایی که انتخاب‌های مدیران منجر به تصمیمات متفاوتی از سوی سرمایه‌گذاران می‌شود و تحت تأثیر عوامل متعددی قرار می‌گیرد لذا شناسایی این عوامل و بررسی تأثیرات افزایشده و یا کاهشده آن بر سود شرکت حائز اهمیت است. پس از بررسی پیشینه پژوهش مشاهده گردید که تحقیقات بسیار محدودی در ایران در حوزه انتخاب‌های حسابداری انجام شده است. عیوضی‌حشمت، (۱۳۸۶)، با تمرکز برانتخاب یک روش حسابداری موجودی کالا به این موضوع پرداخت، حساس یگانه و کریمی(۱۳۹۰)، به بررسی رابطه بین انتخاب روش‌ها و توانایی سرمایه‌گذار برای پیش بینی سود با بکارگیری روش‌های حسابداری محافظه‌کار، تندرو و میانه‌رو این موضوع را بررسی نمودند و آخرین پژوهش مربوط به مرادی (۱۳۹۹) است که با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به موضوع انتخاب روش‌های حسابداری پیمانکاری بر کیفیت سود پرداخت. لذا تا کنون پژوهش مشابهی در بررسی‌های انجام شده با تمرکز بر انتخاب‌های حسابداری با بررسی چند روش و تعیین متغیر انتخاب‌های حسابداری بصورت متغیر دو مقداری صفر و یکی انجام نشده است که این خود نیز نوآوری در این مورد به شمار می‌رود لذا انجام پژوهشی با تمرکز بر پنج روش انتخابی مدیران خلأ تحقیقاتی در این موضوع ارا می‌تواند پوشش دهد. همچنین دانش‌افزایی این پژوهش می‌تواند یک بستر تحقیقاتی جدیدی را در خصوص موضوع انتخاب‌های حسابداری فراهم کند از این جهت که اولاً توجه نهادهای تدوین‌کننده استاندارد را بر تنوع روش‌های حسابداری و زمینه محدود کردن انگیزه‌های فرصت‌طلبی مدیران که ناشی از آزادی عمل آنهاست، جلب می‌نماید و دوماً توجهات استفاده‌کنندگان و سرمایه‌گذاران را به این موضوع در صورت‌های مالی و یادداشت‌های پیوست بیشتر معطوف کند.

پژوهش پیش‌رو به دنبال پاسخ به این سؤالات است که:

- ۱- آیا دو عامل حاکمیت شرکتی و اندازه شرکت می‌توانند به عنوان دو عامل مؤثر بر انتخاب روش‌های حسابداری از سوی مدیران محسوب شود؟
- ۲- انتخاب روش‌های حسابداری چه تأثیری می‌تواند بر سود داشته باشد: اثر افزایشده یا کاهشده؟

در ادامه پس از ارائه مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها، روش‌شناسی و شیوه اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش و پس از آن مدل آماری مطرح می‌شود. در نهایت به تجزیه و تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش پرداخته شده و پیشنهادهای مرتبط با پژوهش مطرح می‌گردد.

۲- مبانی نظری و تدوین فرضیه‌ها

تئوری اثباتی حسابداری و انتخاب‌های حسابداری

تئوری اثباتی حسابداری بخش عمده‌ای از تحقیقات حسابداری بوده است و یکی از از پایه‌های انتخاب‌های مدیریت در مورد روش‌های حسابداری برای به حداکثر رساندن منافع آنها می‌باشد (ناسوشن و همکاران^۱، ۲۰۲۰: ۱۱۳۰). این تئوری بر جنبه‌های اقتصادی مربوط به رفتار مدیران تمرکز می‌کند و برای توضیح و پیش‌بینی رفتار شرکت‌هایی که می‌خواهند از یک روش خاص استفاده کنند و همچنین شرکت‌هایی که نمی‌خواهند از روش‌های مشخص استفاده کنند، بکار می‌رود (واتس و زیمرمن، ۱۹۷۸: ۱۲۳). واتس و زیمرمن از این فرض شروع می‌کنند که مدیران در راستای منافع شخصی خود عمل می‌کنند و دنبال به حداکثر رساندن رفاه خود هستند؛ لذا باید روش‌های خاصی را ترجیح دهند که مطلوب آنها باشد البته انعطاف‌پذیری استانداردها هم این بستر را برای مدیران بیشتر فراهم می‌کند.

رابرتز، ویتمن و گوردون^۲، (۲۰۰۸) بیان کردند: «هر زمان که قوانین حسابداری بیش از یک روش جایگزین را برای یک رویداد مجاز می‌سازد، یا هر زمان که یک قانون حسابداری مستلزم استفاده از قضاوت‌ها، برآوردها یا پیش‌بینی‌ها باشد، افراد مختلف و شرکت‌های مختلف احتمالاً ارقام متفاوتی را ارائه می‌کنند.» بر این اساس، فیلدز و همکاران^۳ (۲۰۰۱) تأکید می‌کنند «انتخاب حسابداری وجود دارد و حذف آن غیرممکن است.» لذا مدیران شرکت‌ها انگیزه دارند که از آن دسته روش‌های حسابداری استفاده کنند که سود گزارش شده را کاهش دهد. سود گزارش شده پایین‌تر، احتمال اقدامات مخالف از سوی دولت را کاهش و توجهات نهادهای سیاسی مالیاتی را کاهش می‌دهد (آرنولد^۴، ۱۹۹۰: ۸۹).

انتخاب‌های حسابداری و انگیزه‌های مدیریتی

واتس و زیمرمن (۱۹۷۸) و هولتاووزن و لفتویچ^۳ (۱۹۸۳) سه دسته از اهداف یا انگیزه‌های انتخاب حسابداری را به شرح زیر ارائه کرده‌اند:

الف) دسته دوم انتخاب حسابداری، که توسط عدم تقارن اطلاعاتی سمت و سو پیدا می‌کند و تلاش می‌کند تا بر قیمت‌داری‌ها تأثیر بگذارد. انتخاب حسابداری ممکن است سازوکاری را فراهم کند که توسط آن افراد آگاه‌تر می‌توانند اطلاعاتی را در مورد زمان، میزان و ریسک جریان‌های نقدی آتی به طرف‌های نا آگاه منتقل کنند.

ب) دسته اول ناشی از وجود هزینه‌های نمایندگی و نبود بازارهای کامل است، انتخاب حسابداری برای تأثیرگذاری بر یک یا چند ترتیب قراردادی شرکت تعیین می‌شود. اغلب، این

مقوله دیدگاه قراردادی کارآمد نامیده می‌شود (واتس و زیمرمن، ۱۹۷۸: ۱۳۰؛ هولتاوون و لفتویچ، ۱۹۸۳: ۸۴). چنین ترتیبات قراردادی شامل قراردادهای پاداش مدیران و پیمان‌های بدهی است.

ج) دسته سوم نفوذ بر اشخاص ثالث به غیر از مالکان واقعی و بالقوه شرکت است. مدیران انتظار دارند با تأثیرگذاری بر این افراد و با اعداد و ارقام حسابداری ارائه شده در صورت‌های مالی که ناشی از انتخاب‌هایشان است بر تصمیمات آنها نیز اثر بگذارند.

گزارش‌های مالی منبع مهمی از اطلاعات برای کمک به ذینفعان مختلف در تصمیم‌گیری هستند (پور حیدری و همکاران، ۱۴۰۱: ۷) که انتخاب مدیران با هدف واکنیزه اثرگذاری بر آنها انجام می‌شود.

عوامل مؤثر بر انتخاب‌های حسابداری

بر اساس تئوری حسابداری مالی، شرکت‌ها روش‌های حسابداری مناسب خود را انتخاب می‌کنند تا دیدگاهی درست و منصفانه از فعالیت‌های تجاری خود در بازار ارائه دهند. این انتخاب در رویه‌های حسابداری واحدهای تجاری گنجانده شده‌اند و پایه و اساس تهیه و تفسیر صورت‌های مالی آنها، یعنی وضعیت مالی، عملکرد و جریان‌های نقدی دوره هستند. (فکته و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۰: ۴۰). عوامل مؤثر بر انتخاب‌های حسابداری شامل:

عوامل مربوط به کشورها شامل: ۱- نظام سیاسی و اقتصادی ۲- سیستم تأمین مالی شرکت ۳- سیستم مالیاتی ۴- اندازه و نقش حرفه حسابداری در تعیین استانداردها ۵- نوع نظام بانکداری اسلامی یا غیر اسلامی. (کول و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۳). عوامل مربوط به شرکت‌ها شامل: ۱- اندازه شرکت ۲- ساختار سرمایه (و اهرم مالی)، ۳- فعالیت بین‌المللی، ۳- ارزش بازار، ۴- وضعیت سودآوری، ۵- بازده حقوق صاحبان سهام، ۶- نظام حاکمیت شرکتی و ۷- نوع حسابرسان (کول و همکاران، ۲۰۱۳). عوامل مربوط به ویژگی فردی مدیران شامل: ۱- جنسیت ۲- سن ۳- مدرک تحصیلی ۴- دوره تصدی خدمت ۵- تمایل به فعالیت‌های بین‌المللی (آلمیدا و لمس^{۱۶}، ۲۰۲۰). در این پژوهش نقش دو عامل تعیین‌کننده مربوط به شرکت که اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی می‌باشد در تبیین انتخاب‌های حسابداری مورد بررسی می‌گیرد. در مباحث مالی شرکت‌ها، اندازه شرکت معمولاً به عنوان یک ویژگی مهم و اساسی آن شرکت شناخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد (گوارا و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۳۰). محققین بیان داشته‌اند که اندازه شرکت، انتخاب روش‌های حسابداری را در شرکت‌ها تعیین می‌کند. در همین خصوص می‌توان محققانی چون (می‌سونیر^{۱۷}، ۲۰۰۴: ۱۳۲؛ شاهین^{۱۸}، ۲۰۱۲: ۸۲؛ کول و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۳؛ جهانگیر و کامران، ۲۰۱۷: ۴۴۲) را نام برد. آنها دریافته‌اند که مدیران شرکت‌های بزرگ که دارای هزینه‌های سیاسی بالایی هستند و نسبت به آنها حساسیت بیشتری از سمت نهادهای دولتی وجود دارد لذا از روش‌های حسابداری کاهنده سود استفاده می‌کنند تا

انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی/۸۷

سود را کمتر نشان دهند و از این طریق دولت را متقاعد کنند سود آنها در حال کاهش است، در این راستا (کوونگ و ترانگ، ۲۰۲۰:۶۹۲) استدلال نمودند شرکت‌های کوچکتر در معرض توجهات و توزیع ثروت سیاسی کمتری قرار دارند لذا مدیران آنها از روش‌های حسابداری افزایشده سود استفاده می‌کنند. آنها بیان نمودند اندازه و بزرگی شرکت شاخصی برای توجه و مدنظر بودن از نظر سیاسی است. در واقع مدیریت شرکت‌ها با انتخاب آگاهانه روش‌های حسابداری که متأثر از عواملی مثل اندازه شرکت است، منجر به تغییر مبلغ سود گزارش شده در شرکت می‌شوند از اینرو هم در جهت تأمین منافع خود حرکت می‌کنند و هم بر تصمیمات سرمایه‌گذاران اثر می‌گذارند (باون و شورز^{۱۹}، ۱۹۹۵:۲۶۰؛ آستامی و تاوور^{۲۰}، ۲۰۰۶:۵).

در ایران عیوضی حشمت (۱۳۸۶)، در پژوهشی با عنوان بررسی انتخاب روش‌های حسابداری موجودی کالا، دریافت که بین انتخاب روش‌های حسابداری و متغیرهای اندازه شرکت، نسبت بدهی به سرمایه، سرمایه در گردش و نوع صنعت هیچ رابطه‌ای وجود ندارد. بنابراین با تحلیل و در نظر گرفتن پژوهش‌های فوق می‌توان این انتظار را داشت که در شرکت‌های بزرگتر توجهات نظارتی و دولتی بخاطر هزینه‌های سیاسی، نسبت به شرکت‌های کوچکتر بیشتر باشد لذا تمایل مدیران در این شرکت‌ها به سمت انتخاب‌هایی می‌رود که وضعیت شرکت را بگونه‌ای نشان دهد که کمتر در کانون توجهات قرارگیرند؛ از سویی دیگر در شرکت‌های کوچکتر که کمتر مورد توجه از سمت این نهادها هستند تمایل مدیران آنها به سمت انتخاب‌هایی می‌رود که منجر به مطلوب نشان دادن وضعیت شرکت شود و جلب توجه از سمت بازار و سرمایه‌گذاران شوند لذا فرضیه زیر طراحی می‌گردد:

فرضیه اول پژوهش: بین اندازه شرکت و انتخاب روش‌های افزایشده و یا کاهشده سود حسابداری رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

فعالیت‌های مدیران ارشد با عواملی محدود می‌شود که راهبری شرکت‌های تحت مدیریت آنها را تشکیل و تحت تأثیر قرار می‌دهد (اسماعیلی‌کیا و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۷۰). حاکمیت شرکتی می‌تواند به عنوان سازوکاری برای کاهش فرصت‌طلبی مدیران عمل کند. حاکمیت شرکتی قوی با ایجاد یک سیستم نظارتی قوی مؤثر، جلوی رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران را در مخفی‌سازی اطلاعات شرکت گرفته یا تحت کنترل در می‌آورد (ماما^{۲۱}، ۲۰۱۸:۸۳) و (تسما^{۲۲}، ۲۰۱۹:۴).

در تبیین انتخاب‌های حسابداری تحقیقات متعدد از سازوکارهای مختلف حاکمیت شرکتی استفاده نموده است. محققان دریافته‌اند انواع سازوکارهای حاکمیت شرکتی، مثل شاخص تمرکز مالکیت و مدیران غیرموظف و استقلال هیأت مدیره می‌تواند در تبیین انتخاب‌های حسابداری بکار رود. محققانی مثل آستامی و تاوور (۲۰۰۶) اینطور استدلال نمودند که شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت کمتر و اعضای غیرموظف کمتر) ضعیف، برای جبران و پوشش

این ضعف به سمت انتخاب‌های افزایش‌دهنده سود می‌روند تا تصویر عملکرد شرکت را در بازار مناسب جلوه دهند و به نوعی کم کاری خود را توجیه کنند.

همچنین نتایج پژوهش واورو و همکاران^{۲۳} (۱۵۴:۲۰۱۱) نشان می‌دهد که هرچه نسبت مدیران غیرموظف شرکت بیشتر باشد مدیران از روش‌های کاهنده سود استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد این امر نشان می‌دهد که مدیران غیرموظف به عنوان یک عامل نظارتی مؤثر بر رفتارهای فرصت‌طلبی مدیریتی هستند و انگیزه‌های مدیران را برای منفعت طلبی محدود می‌کنند. لذا شدت یا ضعف حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها مدیران را به سمت انتخاب‌های افزایش‌دهنده یا کاهنده سود حسابداری سوق می‌دهد. با در نظر گرفتن پژوهش‌های بالا انتظار می‌رود کیفیت پایین حاکمیت شرکتی هشدار می‌دهد برای مدیریت شرکت‌ها که توجه بیشتری به مسائل شفاف سازی داشته باشند. در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیفی وجود دارد زمینه سوء استفاده مدیران بیشتر فراهم می‌شود لذا آنان سعی می‌کنند با مطلوب نشان دادن وضعیت شرکت منافع شخصی خود را تأمین کنند. در مقابل کیفیت بالای حاکمیت شرکتی منجر به افشای بیشتر اطلاعات می‌شود، انگیزه‌ی مدیران را برای مخفی سازی اطلاعات نهانی کم می‌کند و مدیران را از حرکت به سمت منفعت‌طلبی شخصی باز می‌دارد و آنها برای متحمل نشدن هزینه‌های ناشی از عملکرد مطلوب (مالیاتی و سیاسی و نظارتی) تمایل به انتخاب‌های کاهنده سود نشان لذا فرضیه زیر طراحی می‌گردد:

فرضیه دوم پژوهش: بین حاکمیت شرکتی و انتخاب روش‌های افزایش‌دهنده و یا کاهنده سود حسابداری رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

۳- روش‌شناسی

این پژوهش از نظر روش استنتاج، توصیفی - همبستگی است و از نظر هدف کاربردی است. همچنین از آن جایی که از داده‌های واقعی شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است، از نوع پس رویدادی است. ابزارهای گردآوری داده‌های پژوهش، و نرم افزار ره‌آورد نوین وسایت کدال می‌باشد و داده‌ها پس از جمع‌آوری در صفحه گسترده اکسل، طبقه‌بندی شده و در نهایت با استفاده از نرم افزار استاتا مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. جامعه آماری شامل شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۰ است. نمونه انتخابی دارای چهار شرط می‌باشد: الف) شرکت‌ها جزو بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند. ب) اطلاعات مالی مورد نیاز در طول دوره پژوهش در دسترس باشند. ج) معاملات سهام شرکت بطور مداوم صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در دوره مذکور وجود نداشته باشد د) سال مالی شرکت‌های انتخابی باید پایان اسفند باشد. با توجه به محدودیت‌های ذکر شده تعداد شرکت‌های نمونه شامل ۱۸۰ شرکت (۱۴۴۰ شرکت -

انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی/۸۹

سال) می‌باشد که در جدول (۱) نمایش داده شده است. انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تبیین ارتباط بین متغیرها از الگوی رگرسیونی چند متغیره لجستیک استفاده شده است.

جدول (۱): شرایط انتخاب نمونه با اعمال محدودیت‌ها

کل شرکت‌ها	شرکت‌های حذف شده	شرح
۴۰۵		کل شرکت‌های تولیدی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران
	۸۸	حذف شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ و لیزینگ
	۱۱۴	شرکت‌هایی که بیش از ۳ ماه وقفه معاملاتی داشتند.
	۱۳	حذف به دلیل دسترسی نداشتن به اطلاعات
	۱۰	سال مالی آنها پایان اسفند ماه است.
	۲۲۵	کل محدودیت‌ها
۱۸۰		نمونه آماری پژوهش

تدوین مدل و اندازه‌گیری متغیرها

در این پژوهش به منظور بررسی تأثیر اندازه شرکت بر انتخاب‌های افزایشده و کاهشده سود (فرضیه اول پژوهش) و تأثیر حاکمیت شرکتی بر انتخاب‌های افزایشده و کاهشده سود (فرضیه دوم پژوهش) از مدل رگرسیونی داده‌های تابلویی (پنل) چند متغیره لجستیک استفاده شده است.

$$AC_{it} = \beta_0 + \beta_1 SIZE_{it} + \beta_2 CG_{it} \sum_{i=1}^4 control + e_{it} \quad (1)$$

AC_{it} :^{۲۴} انتخاب‌های حسابداری شرکت i در سال t ; $SIZE_{it}$: اندازه شرکت i در سال t ; CG_{it} : حاکمیت شرکتی i در سال t ; $\sum_{i=1}^4 control$: متغیرهای کنترلی مدل شامل صنعت، مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری، اهرم مالی و اخبار خوب و بد است؛ e_{it} : جملات خطا می‌باشد. در ادامه چگونگی اندازه‌گیری متغیرهای مدل ارائه می‌شود.

متغیر وابسته: انتخاب‌های حسابداری (AC)

انتخاب‌های حسابداری یک متغیر دو مقداری صفر و یک است که با استناد به پژوهش (باون و شورز، ۱۹۹۵: ۸؛ آستامی و تاور، ۲۰۰۶: ۱۴) روش افزایشده سود را معادل یک و روش کاهشده سود را معادل صفر قرار دادیم. به این صورت که برای هر شرکت یک امتیاز اندازه‌گیری ترکیبی بدست می‌آوریم.

$$CMS_{it} = \frac{\sum_{i=1}^5 IV_{it} In_{it} D_{it} PPE_{it} TB_{it}}{n} \quad (2)$$

CMS_{it} :^{۲۵} امتیاز اندازه‌گیری ترکیبی شرکت i ام در سال t است؛ IV_{it} : امتیاز اندازه‌گیری انفرادی برای موجودی کالا شرکت i ام در سال t است؛ In_{it} : امتیاز اندازه‌گیری انفرادی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت شرکت i ام در سال t است؛ D_{it} : امتیاز اندازه‌گیری انفرادی برای استهلاك شرکت i ام در سال t است؛ PPE_{it} :^{۲۶} امتیاز اندازه‌گیری انفرادی برای اموال، ماشین‌آلات

و تجهیزات شرکت i ام t سال است؛ TB_{it} : امتیاز اندازه‌گیری انفرادی برای مزایای پایان خدمت کارکنان شرکت i ام t سال است؛ n : تعداد روش‌ها. هر شرکت باید حداقل دو روش داشته باشد تا بتواند مورد استفاده قرار گیرد. در این پژوهش پنج روش انتخاب شده است که می‌توانند افزایشده (کاهنده) سود باشد. این پنج روش شامل: ۱- ارزش‌گذاری موجودی کالا ۲ - استهلاک دارایی ثابت ۳- ارزش‌گذاری سرمایه‌گذاری بلندمدت در شناخت بعدی ۴- ارزش‌گذاری اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در شناخت بعدی ۵- مزایای پایان خدمت کارکنان. امتیاز اندازه‌گیری ترکیبی به این صورت است که:

در مورد موجودی کالا بکارگیری روش فایفو افزایشده سود است و عدد یک برای آن بکار می‌رود و بکارگیری روش میانگین موزون کاهنده سود خواهد بود و عدد صفر برای آن بکار می‌رود. در مورد استهلاک بکارگیری روش خط مستقیم افزایشده سود است و عدد یک برای آن بکار می‌رود و بکارگیری روش نزولی کاهنده سود خواهد بود و عدد صفر برای آن بکار می‌رود. در مورد اموال ماشین‌آلات و تجهیزات بکارگیری روش بهای تمام شده کاهنده سود است و عدد صفر برای آن بکار می‌رود و بکارگیری روش تجدید ارزیابی افزایشده سود خواهد بود و عدد یک برای آن بکار می‌رود. در مورد مزایای پایان خدمت کارکنان امکان دو روش برای پرداخت آن وجود دارد:

الف) مزایا بصورت یکجا در پایان خدمت پرداخت شود (ذخیره در نظر می‌گیرد).

ب) مزایا در طول سنوات خدمات کارکنان پرداخت شود (ذخیره در نظر نمی‌گیرد).

اگر برای حق سنوات هر سال ذخیره در نظر بگیریم در سال‌های آخر نسبت به سال‌های اول هزینه‌ها بیشتر می‌شود. لذا بکارگیری روش الف کاهنده سود است و عدد صفر برای آن بکار می‌رود و بکارگیری روش ب افزایشده سود خواهد بود و عدد یک برای آن بکار می‌رود. در مورد سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت بکارگیری روش بهای تمام شده کاهنده سود است و عدد صفر برای آن لحاظ می‌شود و بکارگیری روش تجدید ارزیابی افزایشده سود خواهد بود و عدد یک برای آن لحاظ می‌شود. مقادیر صفر و یک بدست آمده جمع و بر تعداد روش‌های مورد استفاده شرکت تقسیم می‌گردد.

حالا امتیازهای بدست آمده با امتیاز صفر و یک انتخاب حسابداری مقایسه می‌گردد. اگر نمره امتیاز ترکیبی آن شرکت عدد یک بود یعنی مدیریت تمایل به انتخاب روش‌های افزایشده سود دارد و اگر نمره امتیاز ترکیبی عدد صفر بود یعنی تمایل به انتخاب روش‌های کاهنده سود دارد.

متغیر مستقل: اندازه شرکت (SIZE)

در این پژوهش باتوجه به مزیت درجه مربوط بودن و عینیت بالایی که شاخص میزان فروش‌های شرکت دارد از میزان فروش‌های شرکت که بر بازده و سود شرکت‌ها تأثیر دارد جهت

انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی/۹۱

سنجش اندازه شرکت با استناد با استناد به پژوهش می سونیر (۲۰۰۴) و آستامی تاور (۲۰۰۶) از رابطه زیر استفاده می‌کنیم.

$$SIZE_{it} = \text{Log} (SALES_{it}) \quad (3)$$

Log (SALES_{it}): لگاریتم طبیعی فروش‌های شرکت i ام در سال t

متغیر مستقل: حاکمیت شرکتی (CG^{۲۷})

برای اندازه‌گیری این متغیر از ده معیار دو مقداری صفر و یکی، به شرح جدول (۱) که در بین پژوهش‌های مختلف پر کاربرد بود استفاده گردیده است (صفری گرایلی و بالارستاقی، ۱۳۹۴؛ انصاری، ۱۳۹۶ و اعظم شاهوردی و آشنا، ۱۳۹۸).

جدول (۲): ده معیار شناسایی حاکمیت شرکتی

ردیف	شرح	معرفی مقادیر صفر و یکی
۱	دوگانگی وظیفه‌ی مدیرعامل	جداکردن نقش مدیر عامل از رئیس هیأت مدیره، عدد یک و در غیراینصورت عدد صفر.
۲	وجود اعضای غیر موظف در هیأت مدیره	بیشتر بودن نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا از میانگین نسبت محاسبه شده برای کل شرکتها عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
۳	برنامه‌های آتی	اشاره به برنامه های آتی شرکت عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر .
۴	استفاده از متخصص حسابداری و مالی	استفاده از متخصص حسابداری و مالی عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
۵	وجود واحد حسابرسی داخلی	وجود واحد حسابرسی داخلی در شرکت عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
۶	ساختار مالکیت	ساختار مالکیت (درصد سهام در اختیار مالکین نهادی) ، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر.
۷	تمرکز مالکیت (سهامدار کنترل کننده)	وجود تمرکز مالکیت (مالکیت بالای ۲۰درصد) عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
۸	حسابرسی شرکت	انجام حسابرسی آن توسط یک موسسه حسابرسی با اندازه‌ی بزرگتر (سازمان حسابرسی) عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
۹	نوع اظهار نظر حسابرسی	اظهار نظر مقبول ، عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
۱۰	وجود کمیته حسابرسی	وجود کمیته حسابرسی متشکل از اعضای غیرموظف هیأت مدیره عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.

بعدها آنکه برای هر یک از شرکت - سال مقادیر بالا را بدست آوردیم، براساس رابطه (۴) عمل می‌کنیم (براون و کاپلور^{۲۸}، ۲۰۰۶: ۴۱۵؛ دادبه و پهلوانی، ۱۴۰۰: ۷۵).

$$CG_{it} = \frac{\sum_{i=1}^m d_i}{\sum_{i=1}^n H_i} \quad (4)$$

که در آن، CG_{it} : حاکمیت شرکتی شرکت i ام در سال t ؛ $\sum_{i=1}^m d_i$: حاصل جمع اعداد شاخص‌های مجازی بدست آمده شرکت i ام در سال t ؛ $\sum_{i=1}^n H_i$: تعداد کل شاخص‌های مجازی بدست آمده شرکت i ام در سال t. شرکت‌هایی که امتیاز آنها در نسبت بدست آمده کمتر از ۳۳٪ و بیشتر از ۳۳٪ باشد بترتیب دارای حاکمیت شرکتی ضعیف و قوی می باشند. در ضمن شرکت‌هایی که امتیاز آنها بین ۳۳٪ و ۶۶٪ قرار بگیرد دارای حاکمیت شرکتی سطح متوسط می‌باشند.

متغیرهای کنترلی

اهرم مالی، اخبار خوب و بد، مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری، و صنعت متغیرهای کنترلی هستند؛ از اینرو اثر این عوامل در پژوهش کنترل شده است.

اولین متغیر کنترلی اهرم مالی (LEV) است. معیارهای اندازه‌گیری اهرم مالی به دو دسته تقسیم می‌شوند: (خوش طینت و فلاح جوشقانی، ۱۳۸۶، ۱ و ۲)
 (۱) معیارهای سود و زیانی که به بررسی رابطه بین سود قبل از بهره و مالیات و سود هر سهم می‌پردازد (خوش طینت و فلاح جوشقانی، ۱۳۸۶، ۹).

(۲) معیارهای ترازنامه‌ای که دو تعریف را برای اهرم مالی قائل شده است: الف) نسبت بدهی‌ها به داراییها ب) نسبت بدهی‌ها به حقوق صاحبان سهام (خوش طینت و فلاح جوشقانی، ۱۳۸۶، ۹). برای محاسبه اهرم مالی در تبیین انتخاب‌های حسابداری از معیار اندازه‌گیری ترازنامه‌ای نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها که در تحقیقات لانگ و همکاران^{۲۹}، (۱۹۹۶)؛ می‌سونیر، (۲۰۰۴)؛ آستامی و تاوور، (۲۰۰۶) بکار گرفته شده استفاده می‌کنیم.

دومین متغیر کنترلی اخبار خوب و بد (GBN^{30}) است. سهامداران و مشارکت‌کنندگان در بازار سهام، براساس اطلاعات و اخباری که از شرکت به دست می‌آورند نسبت به آن، واکنش نشان می‌دهند و برآن مبنا تصمیم‌گیری می‌کنند. که بصورت مجازی محاسبه می‌شود به اینصورت که در مورد اخبار بد (نرخ بازده سهام منفی یا صفر) عدد ۱ و در مورد اخبار خوب (نرخ بازده سهام مثبت) عدد صفر بکار می‌رود. نرخ بازده سهام به شرح رابطه (۳) محاسبه می‌شود:

$$(3) \quad \text{وجه نقد دریافتی} + \text{تغییرات قیمت سهام در طول همان دوره} \\ \text{قیمت سهام در ابتدای دوره} = \text{نرخ بازده سهام}$$

دیگر متغیر کنترلی مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری (IOS^{31}) است مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری به فرصت‌های سازمان و نیز فرصت‌های موجود در اقتصاد برای خلق ارزش مرتبط می‌باشد و زمانی که مدیران درک بهتری در مورد سیاست‌های تصمیم‌گیری و انتخاب روش‌ها داشته باشند، امکان خلق ارزش و تغییرات در شرایط و وضعیت در بازار برای سازمان ایجاد می‌یابد (پرم^{۳۲}، ۲۰۱۱).

ما در این پژوهش به دلیل اینکه تفاوت بین ارزش بازاری و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، برآوردی از ارزش فرصت‌های سرمایه‌گذاری که شرکت با آن روبرو خواهد شد، می‌باشد (چانگ و چارنوانگ^{۳۳}، ۱۹۹۱) از شاخص نسبت ارزش بازاری به دفتری حقوق صاحبان سهام استفاده می‌کنیم. همچنین آخرین متغیر کنترلی صنعت می‌باشد.

انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی/۹۳

۴- یافته‌ها

آمار توصیفی داده‌ها

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، کمترین میانگین با عدد ۰/۳۹۳ مربوط به متغیر اخبار خوب و بد و بیشترین میانگین با عدد ۱۴/۲۷۴ مربوط به متغیر اندازه شرکت است. همچنین متغیر اهرم مالی کمترین انحراف معیار معادل ۰/۲۳۳ و متغیر مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری، با مقدار ۱۴/۴۳۰ از بیشترین مقدار انحراف معیار برخوردار می‌باشد. از بین متغیرها، کمترین و بیشترین مقدار نیز متعلق به متغیر مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری به ترتیب با مقادیر ۱۸/۱۸۴- و ۹۷/۶۶۷ می‌باشد. بیشترین چولگی و بیشترین کشیدگی نیز مربوط به متغیر مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری است. این در حالی است که کمترین چولگی مربوط به متغیر اندازه شرکت با مقدار ۰/۰۰۷ و کمترین میزان کشیدگی مربوط به متغیر وابسته انتخاب‌های حسابداری با میزان ۱/۰۰۴ می‌باشد. سایر اطلاعات در جدول (۲) نمایش داده شده است.

جدول (۲): آماره‌های توصیفی متغیرها

نام و نماد متغیرها	مشاهده	میانگین	میانه	انحراف معیار میانه	چولگی	کشیدگی	کمنه	بیشینه
انتخاب‌های حسابداری (AC)	۱۴۴۰	۰/۴۸۳	۰	۰/۵۰۰	-۰/۰۶۷	۱/۰۰۴	۰	۱
اندازه شرکت (SIZE)	۱۴۳۰	۱۴/۲۷۴	۱۶/۶۴۳۵	۱/۹۸۶	-۰/۰۰۷	۴/۳۵۶	۵/۴۸۱	۲۱/۴۸
حاکمیت شرکتی (CG)	۱۴۴۰	۰/۳۷۴	۰	۰/۴۸۴	-۰/۵۲۳	۱/۲۷۳	۰	۱
مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری (IOS)	۱۴۰۳	۶/۲۰۶	۱۵/۶۷۸۵	۱۴/۴۳۰	۵/۰۷۵	۲/۲۲۴	-۱۸/۱۸۴	۹۷/۶۶۸
اهرم مالی (LEV)	۱۴۳۹	۰/۵۴۹	۰/۸۴۷۵	۰/۲۳۳	-۰/۸۱۸	۷/۴۴۴	۰/۰۰۴	۲/۳۶۴
اخبار خوب یا بد (GBN)	۱۲۷۶	۰/۳۹۳	۰	۰/۴۸۹	-۰/۴۴۰	۱/۱۹۳	۰	۱

جدول (۳) نتایج آزمون لیمر (چاو) و هاسمن جهت بررسی نوع داده‌ها در مدل مربوط به آزمون فرضیه اول و دوم را نشان می‌دهد. با توجه به سطح معنی‌داری آماره می‌توان نتیجه گرفت که داده‌های این الگو از نوع داده‌های تابلویی و اثرات ثابت است.

جدول (۳): نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن مدل پژوهش

	آماره محاسبه شده	سطح معنی‌داری
آزمون اف لیمر	۲۹/۰۶	۰/۰۰۰
آزمون هاسمن	۱۱/۸۷	۰/۰۶۵

در داده‌های تابلویی، با توجه به اینکه ترکیبی از داده‌های سری زمانی و مقطعی است معمولاً نیازی به بررسی وجود و یا رفع مشکلات ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی وجود ندارد. با این وجود، این موارد نیز کنترل شده است. جدول (۴) نتایج این آزمون را نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که متغیر Ind14، متغیر دو مقداری صنعت است.

جدول (۴): آزمون هم خطی مدل پژوهش

نماد	عامل تورم واریانس	تلورانس	نماد	عامل تورم واریانس	تلورانس
Size	۱،۱۴	۰،۸۸۰	GBN	۱،۰۱	۰،۹۹۲
LEV	۱،۰۲	۰،۹۷۸	IOS	۱،۰۱	۰،۹۹۴
Ind14	۱،۰۸	۰،۹۲۹	CG	۱،۰۷	۰،۹۳۱
mean vif	۱،۰۵				

نتایج آزمون فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش: بین اندازه شرکت و انتخاب‌های حسابداری رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

در این بخش رابطه متغیر اندازه شرکت با انتخاب روش‌های حسابداری بررسی شد. به دلیل ماهیت صفر و یکی متغیر وابسته پژوهش، یعنی متغیر انتخاب‌های حسابداری، از نتایج رگرسیون لجستیک نیز برای تخمین مدل بهره برده‌ایم. جدول (۵) نتایج این تخمین را نشان می‌دهد. ضریب متغیر اندازه شرکت، معادل $-۰/۰۶۹$ ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، به دست آمده است. از این رو، با افزایش یک واحدی در اندازه شرکت، انتخاب‌های حسابداری به میزان $۰/۰۶۹$ درصد کاهش پیدا کرده و مدیران تمایل بیشتری به انتخاب روش‌های کاهنده سود در شرکت دارند. به عبارت دیگر، هرچه اندازه شرکت بزرگ‌تر باشد انگیزه مدیران در جهت انتخاب روش‌های کاهنده سود خواهد بود. این موضوع برای شرکت‌هایی با اندازه کوچک نتیجه‌ای عکس به همراه خواهد داشت. به این صورت که هرچه اندازه شرکت کوچک‌تر باشد مدیران تمایل به انتخاب روش‌های افزایشده سود نشان می‌دهند بنابراین، طبق نتایج به دست آمده از رگرسیون لجستیک، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم پژوهش: بین حاکمیت شرکتی و انتخاب‌های حسابداری رابطه معکوس و معناداری وجود دارد.

در این بخش رابطه متغیر حاکمیت شرکتی با انتخاب روش‌های حسابداری بررسی می‌شود. ضریب متغیر حاکمیت شرکتی، معادل $۱/۰۸۰$ ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد به دست آمده است. از این رو، با افزایش یک واحدی حاکمیت شرکتی، انتخاب‌های حسابداری به میزان $۱/۰۸۰$ درصد افزایش پیدا کرده و مدیران تمایل بیشتری به انتخاب روش‌های افزایشده سود در شرکت دارند. به عبارت دیگر، هرچه کیفیت حاکمیت شرکتی بیشتر باشد انگیزه مدیران برای انتخاب‌های حسابداری در جهت کمتر نشان دادن سود خواهد بود. بنابراین، طبق نتایج به دست آمده از رگرسیون لجستیک، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اینکه هرچه حاکمیت شرکتی

انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی/۹۵

قویتر باشد مدیران تمایل به استفاده از روش‌های کاهشده سود دارند و بالعکس، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

متغیرکنترلی دو مقداری اخبار خوب و بد، با ضریبی معادل $-0/048$ و در سطح اطمینان ۹۹ درصد، عامل انتخاب روش‌های کاهشده سود توسط مدیران می‌باشد. به طوری که اخبار بد موجب اتخاذ روش‌های مدیریتی شده که به کمتر نشان دادن سود منجر می‌شود و بالعکس. همچنین متغیر کنترلی مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری با ضریبی معادل $0/026$ و با احتمال ۹۵ درصد معنی دار بوده و باعث انتخاب روش‌های افزایشده سود در شرکت می‌شود. برخلاف آن متغیر کنترلی اهرم مالی معنادار نبوده و طبق رگرسیون لجستیک، اثر معناداری بر انتخاب‌های حسابداری ندارد. مطابق رگرسیون اثر تصادفی، تنها اثر ثابت صنعت فلزات اساسی در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی‌دار می‌باشد و این صنعت از سطح متغیر وابسته کمتری برخوردار می‌باشد. سایر متغیرهای دو مقداری سال و صنعت معنی‌دار نمی‌باشند.

جدول (۵): نتایج تخمین مدل پژوهش به روش رگرسیون لجستیک

نام متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معنی‌داری
Size	-0/069	0/029	-2/41	0/016
CG	1/080	0/511	1/96	0/050
GBN	-0/048	0/019	-2/61	0/009
IOS	0/026	0/012	2/06	0/040
LEV	-0/830	1/025	-0/81	0/418
Ind14	-0/274	0/043	-6/38	0/000
Cons	-1/288	1/923	-0/67	0/503
Obs	1239			
wald Test	55/74			0/000

از آزمون تصریح مدل به منظور بررسی وجود متغیر محذوف در مدل و تورش نتایج استفاده شده است. نتایج این آزمون در جدول (۶) ارائه شده است که نتایج آماره‌ی F آزمون رمزی ریست معادل $1/95$ به دست آمده است.

جدول (۶): نتایج آزمون تصریح مدل پژوهش

نام آزمون	آماره‌ی F	سطح معنی‌داری
آزمون رمزی ریست	1/95	0/119

نکته: فرض صفر، مدل متغیر محذوف ندارد.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب‌های حسابداری از موضوعات قابل توجه‌ای است که اثرات آن در ارقام صورت‌های مالی بویژه سود مشخص می‌شود. سود حسابداری به عنوان مهمترین علائم مخابراتی شرکت توجه استفاده‌کنندگان را به خود جلب می‌کند و چون به روش تعهدی و با اعمال نظر مدیران تعیین می‌گردد لذا مدیران می‌توانند با انتخاب روش‌های آگاهانه خود بر روی آن اثر بگذارند. این انتخاب‌ها می‌تواند افزایشده یا کاهشده سود شرکت باشد و منجر به تصمیمات متفاوتی از

سوی سرمایه‌گذاران در بازار شود بنابراین آگاهی از این روش‌ها می‌تواند اطلاعات مفیدی را برای تصمیم‌گیرندگان فراهم کند. این پژوهش امکان شناخت بیش‌تری از انگیزه‌ها و رفتارهای مدیران در فرآیند گزارشگری سود را فراهم می‌سازد که می‌تواند در زمینه‌ی محدود کردن انگیزه‌های فرصت‌طلبی مدیران برای ذینفعان صورت‌های مالی و بویژه سرمایه‌گذاران مفید واقع شود. آگاهی از چگونگی انتخاب روش‌های حسابداری توسط مدیران و تأثیرات افزایشدهنده و کاهشدهنده آن بر سود در شرکت‌های با اندازه کوچک یا بزرگ و همچنین شرکت‌های دارای ارکان حاکمیت شرکتی ضعیف یا قوی دید بهتری به استفاده‌کنندگان ارائه می‌نماید. نتایج بررسی فرضیه اول نشان داد که اندازه شرکت می‌تواند تأثیر معکوس و معناداری بر انتخاب روش‌های افزایشدهنده یا کاهشدهنده سود داشته باشد. به این صورت که در شرکت‌های بزرگ‌تر، مدیران تمایل به استفاده از روش‌های کاهشدهنده سود دارند و در شرکت‌های کوچک‌تر، مدیران تمایل به استفاده از روش‌های افزایشدهنده سود دارند به عبارتی شرکت‌های بزرگ از نظر سیاسی مورد توجه نهادهای نظارتی قرار دارند بیشتر به سمت انتخاب‌های افزایشدهنده سود می‌روند و شرکت‌های کوچک‌تر چون کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند و برای دیده شدن و به سمت انتخاب‌های کاهشدهنده سود می‌روند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش واورو و همکاران، (۲۰۱۱)؛ شاهین، (۲۰۱۲)؛ کول و همکاران، (۲۰۱۳)؛ جهانگیر و کامران، (۲۰۱۷) و کونگ و ترانگ، (۲۰۲۰) هم‌خوانی دارد. همچنین نتایج پژوهش فرضیه دوم نشان داده است که حاکمیت شرکتی تأثیر معکوس و معناداری بر انتخاب روش‌های افزایشدهنده یا کاهشدهنده سود می‌تواند داشته باشد. به عبارت دیگر، مدیران در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی تمایل به استفاده از روش‌های کاهشدهنده سود دارند و در مقابل مدیران در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف به استفاده از روش‌های افزایشدهنده سود تمایل دارند. این بدان معناست که حاکمیت شرکتی قوی انگیزه مدیران را برای مخفی سازی اطلاعات نهانی کم می‌کند و آنها تمایل به انتخاب‌های کاهشدهنده سود نشان می‌دهند درحالی که در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی ضعیف زمینه سوء استفاده مدیران بیشتر فراهم می‌شود تا از این وضعیت در جهت منافع شخصی خود استفاده کنند لذا آنان سعی می‌کنند با مساعد نشان دادن وضعیت و عملکرد شرکت کم وکاستی‌های ناشی از این ضعف را جبران کنند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش می‌سونیر، (۲۰۰۴)؛ آستامی و تاور، (۲۰۰۶)؛ واورو و همکاران، (۲۰۱۱)؛ جهانگیر و کامران، (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

در مجموع، با توجه به نتایج پژوهش به نهادهای استاندارگذار پیشنهاد می‌شود، با افزایش نظارت خود بر عملکرد مدیران امکان انتخاب روش‌های حسابداری که در راستای تأمین منافع شخصی انجام می‌شود را کم کنند و تنوع روش‌ها را در صورت‌های مالی محدود کنند تا زمینه آزادی عمل و فرصت‌طلبی مدیران به حداقل میزان ممکن برسد. علاوه براین به سرمایه‌گذاران، کارشناسان و تحلیلگران اطلاعات مالی در بازار پیشنهاد می‌شود برای اتخاذ تصمیمات مناسب

انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی/۹۷

اقتصادی در کنار توجه به اطلاعات در صورت‌های مالی، به یادداشت‌های پیوست در مورد روش‌های حسابداری انتخاب شده مدیران و تغییرات در روش‌ها نیز توجه نمایند، زیرا نوع روش‌های انتخابی مدیران می‌تواند بر روی ارقام صورت‌های مالی و بویژه سود که مهمترین عامل مخابراتی و اطلاعاتی شرکت‌ها است اثر بگذارد. بطور کلی این پژوهش افق جدیدی را از منظر توجه به سود حسابداری که متأثر از انتخاب‌های حسابداری است نشان می‌دهد. در انجام این پژوهش محدودیت‌هایی نیز وجود داشت که مربوط به سازوکارهای حاکمیت شرکتی بود. برخی از شرکت‌ها سازوکارهای مد نظر در پژوهش را بصورت کامل و شفاف افشا نکرده بودند و یا تعداد آن از تعداد شاخص‌هایی که ما در پژوهش تعیین کرده بودیم کمتر بود که این موجب کم شدن تعداد نمونه‌های مورد بررسی شد.

یادداشت‌ها

- 1.Scott
- 2.Huang et al
- 3.Petacchi
- 4.Flavio Leonel de Carvalho
- 5.Cho & kim
- 6.Jahangir & Kamran
- 7.Watts & Zimmerman
- 8.Samuel & Man
- 9.Nasution et al
- 10.Roberts, C., Weetman, P., & Gordon
- 11.Fields et al
- 12.Arnold
- 13.Holthausen |& Leftwich
- 14.Fekete et al
- 15.Cole et al
- 16.Almeida & Lemes
- 17.Missonier
- 18.Shaheen
- 19.Bowen & Shores
- 20.Astami & Tower
- 21.Mama
- 22.Tessema
- 23.Wawerue et al
- 24.Accounting Choices (AC)
- 25.Composite Measure Score(CMS)
- 26.property plant and equipment (PPE)
- 27.Corporate Governance(CG)
- 28.Brown & Caylor
- 29.Long et al
- 30.Good Bad News(GBN)
- 31.Investment Opportunity Set (IOS)
- 32.Perm
- 33.Chung and Charoenwong

کتابنامه

اسماعیلی کیا، غریبه؛ نجف نیا، سمیه؛ اوشنی، محمد. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین سازوکارهای راهبری شرکتی برون‌سازمانی و تقلب مالی با تمرکز بر ارزیابی شناختی از تجویزهای تئوری نمایندگی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۲): ۱۶۹-۱۹۲.

انصاری، الهام. (۱۳۹۶). تأثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی (افشا) بر ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی.

پورحیدری، امید؛ گل محمدی شورکی؛ مجتبی زارع مهرجردی، ابوالفضل. (۱۴۰۱). ویژگی‌های گزارشگری مالی و پاداش مدیریت: با تأکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی. *فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی*، ۹(۲): ۱-۲۷.

- خوش طینت، محسن؛ فلاح جوشقانی، حامد. (۱۳۸۶). تأثیر اهرم مالی بر ضریب واکنش سود. مطالعات تجربی حسابداری مالی ۵ (۱۷): ۱.
- دادبه، فاطمه؛ پهلوانی، علیرضا. (۱۴۰۰). تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارتباطات سیاسی بر عدم تقارن اطلاعاتی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۴ (۴۲): ۶۱-۷۳.
- رضوانی راز، کریم؛ حقیقت، حمید؛ رمضان احمدی، محمد؛ رکابدار، قاسم. (۱۴۰۱). بررسی نقش واسطه‌ای هزینه نمایندگی بر رابطه بین افشای اختیاری و هزینه سرمایه با در نظر گرفتن سطوح کیفیت سود، فصلنامه علمی دانش حسابداری مالی، ۹ (۴): ۷۳-۹۴.
- صفری گرایلی، مهدی؛ بالارستاقی، عالیه. (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲ (۴۸): ۹۳-۱۱۲.
- عیوضی‌حشمت، علی اصغر. (۱۳۸۶). بررسی انتخاب روش‌های حسابداری موجودی کالا. بیک نور-علوم انسانی، اقتصاد و حسابداری، ۵ (۴): ۱۶۲-۱۷۲.
- گوارا، مریم، معین‌الدین، محمود، تفتیان، اکرم. (۱۴۰۰). ارائه مفهوم جدیدی از متغیر اندازه شرکت در مدل‌های حسابداری. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۰ (۳۷): ۲۲۹-۲۴۳.

References

- Almeida, N.S.d. & Lemes, S. (2020). Determinants of accounting choice: do CFOs' characteristics matter?, *Management Research Review*. 43(2), 185-203
- Arnold, P., (1990). The State and Political Theory in Corporate Social Disclosure Research: A Response to Guthrie and Parker, *Advances in Public Interest Accounting*. 3(2): 177-181.
- Ansari, E. (2017). The impact of corporate governance and the quality of financial reporting (disclosure) on the value of companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Conference of modern researches of Iran and the world in management, economics, accounting and humanities*. 1-25 (In Persian)
- Astami, E. W. & Tower, G. (2006). Accounting policy choice and firm characteristics in the Asia Pacific region: An international empirical test. *The International Journal of Accounting*, 41(1): 1-21.
- Azam Shahvardi, G, & Ashna, N. (2019). Investigating the effect of corporate governance score on the relationship between fundamental accounting variables and stock returns in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research (Accounting Research)*, 11(41): 147-162. (In Persian)

- Bowen, R. M., & Shores, D. (1995). Stakeholders' implicit claims and accounting method choice. *Journal of Accounting and Economics*, 20:255-295.
- Brown, D.L. and Caylor, M.L., (2006). Corporate governance and firm valuation, *Journal of Accounting & Public Policy*, 25(4): 409-434.
- Cho, H. & Kim, R. (2020), Asymmetric effects of voluntary disclosure on stock liquidity: evidence from 8-K filings. *Accounting & Finance*, 61(1): 803-846.
- Chung, K. & C. Charoenwong.(1991). Investment Options, Assets-in-Place, and the Risk of Stocks, *Financial Management* : 21-33.
- Cole, V., Branson, J., & Breesch, D. (2013). Determinants Influencing the IFRS Accounting Policy Choices of European Listed Companies. Working Paper.
- Cuong .D. & Trong VI., (2020). Factors Influencing the Choices of Accounting Policies in Small and Medium Enterprises in Vietnam. *Journal of Asian. Finance, Economics and Business* 7(10): 687-696.
- Dadbeh, F; & Pahlavani, A. (2021). The effect of corporate governance on political communication due to information asymmetry of Tehran Stock Exchange companies, *Accounting and Management Quarterly*, 4(42): 61-73. (In Persian)
- Eyvazi-Hashmat, A. A. (2007). Investigation of the selection of inventory accounting methods. *Pik Noor - Human Sciences*, 5 (4) *Economics and Accounting*,: 162-172. (In Persian)
- Esmaili Kia, G, Najaf Nia, S, & Oshni, M. (2019). Investigating the relationship between external corporate governance mechanisms and financial fraud, focusing on the cognitive evaluation of agency theory prescriptions. *Accounting and auditing reviews*, 26(2): 169-192. (In Persian)
- Fekete, S., Damagum, Y.M., Mustața, R.V., Matiș, D., & Popa, I.G. (2010). Explaining Accounting Policy Choices of SME's: An Empirical Research on the Evaluation Methods. *European Research Studies Journal*:33-48.
- Fields T. D Fields; Lys T.Z Lys; Vincent.L.(2001). Empirical research on accounting choice. *Journal of Accounting and Economics*.e. , 31(1-3): 255-307.
- Flavio Leonel de Carvalho, (2018), Earnings quality, investment decision and financial constraint, *review of business management*, 20: 573-598.
- Guwara, M, Moinuddin, M, & Taftian, A. (2021). Presenting a new concept of firm size variable in accounting models. *Knowledge of Accounting and Management Audit*, 10(37): 229-243. (In Persian)
- Jahangir A.M .& Kamran, A. (2017), Determinants of Accounting policy choices under International Accounting Standards:Evidence from South Asia. *Accounting Research Journal* 30(4):430-446.
- Huang, W; Boateng, A; & Newman, A. (2016). Capital structure of Chinese listed SMEs: an agency theory perspective. *Small Business Economics*, 47(2): 535-550.

- Khosh Tinat, M; & Falah Joshghani, H. (2007). The effect of financial leverage on earnings reaction coefficient. *Empirical studies of financial accounting* 5 (17): 1-25.(In Persian)
- Chung, K. and C. Charoenwong.(1991). Investment Options, Assets-in-Place, and the Risk of Stocks, *Financial Management* :21-33.
- Prem, M. (2011). The Investment Opportunity Set and Policy Decisions: the Association between Leverage; Dividend; B-BBEE Policies and Growth Opportunity, *Gordon Institute of Business Science*:1-137.
- Long, L.E., Ofek, E., Stulz, R. (1996). Leverage, Investment and firm growth. *Journal of Financial Economics*: 4 – 29.
- Mama., H.B. (2018). Innovative efficiency and stock returns: Should we care about nonlinearity? *Finance Research Letters*.24(2): 81-89.
- Missonier, f.p., (2004). Economic Determinants of Multiple Accounting Method Choices in a Swiss Context., *Journal of International Financial Management and Accounting* 15(2): 118–144.
- Nasution, S. T. A., Putri, R. F., Muda, I., & Ginting, S. (2020). Positive accounting theory: Theoretical perspectives on accounting policy choice. In *Proceedings of the 1st Unimed International Conference on Economics Education and Social Science (UNICEES 2018)* :1128-1133.
- Petacchi, R. (2015). Information asymmetry and capital structure: Evidence from regulation FD, *Journal of Accounting and Economics*. 59(2): 143-162.
- Pourheidari,O., Gol Mohammadi Shurki, M & Zare Mehrjardi, A. (2022) . Features of financial reporting and management compensation: emphasizing the role of information asymmetry. *Scientific Quarterly Journal of Financial Accounting Knowledge*, 9(2): 1-27. (In Persian)
- Roberts, C., Weetman, P., & Gordon, P. (2008). International corporate reporting A comparative approach (Fourth ed.). Edinburgh: Pearson Education Limited.
- Rizvani Raz,K, Haqirat, Ramadan Ahmadi H., M., and Rakabdar,GH. (2022). Investigating the mediating role of agency cost on the relationship between discretionary disclosure and cost of capital by considering the levels of earnings quality, *Financial Accounting Science Quarterly* , 9(4):73-94. (In Persian)
- Safari Graili, M & Balarastagi, A. (2014). Investigation of factors affecting the quality of corporate governance in companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Quarterly journal of empirical studies of financial accounting*, 12(48):112-93. (In Persian)
- Samuel, Y. & Man, Z. (2017). Asset liquidity and stock returns, *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 12(3):100-124.
- Scott, W. R., (2012). Financial Accounting Theory. *Sixth Edition, Pearson education, Toronto, Canada*:27-56.

انتخاب‌های حسابداری افزایشده یا کاهشده سود: با تأکید بر نقش اندازه شرکت و حاکمیت شرکتی/۱۰۱

- Shaheen, M.A. (2012). The choice of accounting policy in developing countries: case of the state of Kuwait: an empirical investigation of the validity of the positive theory, *Working Paper. Available at SSRN*.
- Tessema, A. (2019). The impact of corporate governance and political connections on information asymmetry: International evidence from banks in the Gulf Cooperation Council member countries. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation* 35 (22):1-17.
- Watts, R., & Zimmerman, J. (1978). Towards a positive accounting theory of the determination of accounting standards. *The Accounting Review*, 53:112-134.
- Waweru, N.M. Ntui, P. P., & Mangena, M. (2011). Determinants of different accounting methods choice in Tanzania: A positive accounting theory approach. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 1(2): 144-159.